



جنگ حقوقی و ابعاد آن

فرشته محمدزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه قم _ وکیل دادگستری

چکیده :

این مقاله به بررسی مفهوم "جنگ حقوقی" و ابعاد آن در سه حوزه سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌پردازد. روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌ها این پژوهش بیانگر آن است که جنگ حقوقی، نوعی تقابل و درگیری بین دو یا چند طرف است که از ابزارهای حقوقی برای به چالش کشیدن یکدیگر و تضعیف موقعیت حریف استفاده می‌کنند. این جنگ در سه بعد سیاسی، نظامی و اقتصادی قابل بررسی است. در بعد سیاسی، جنگ حقوقی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها، به انزوا کشاندن آنها و یا تغییر سیاست‌هایشان به کار گرفته می‌شود. در بعد نظامی، از جنگ حقوقی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی، تضعیف روحیه دشمن و یا جلب حمایت بین‌المللی استفاده می‌شود. در بعد اقتصادی، جنگ حقوقی برای تحریم اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌ها و یا اختلال در فعالیت‌های اقتصادی طرف مقابل به کار گرفته می‌شود. درک ابعاد مختلف جنگ حقوقی می‌تواند به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در اتخاذ تصمیمات مناسب برای مقابله با آن کمک کند.

کلیدواژه‌ها: جنگ حقوقی، ابعاد سیاسی، ابعاد نظامی، ابعاد اقتصادی، تقابل حقوقی.

مقدمه

در طول تاریخ، حقوق همواره نقش مهمی در صلح و انتظام بخشیدن به روابط افراد و جوامع بشری داشته است. حقوق به عنوان یک سیستم قوانین و مقررات، چارچوبی را برای رفتار افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها فراهم می‌کند. این قوانین به مردم کمک می‌کنند تا بتوانند به طور مؤثر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، منازعات را حل کنند و حقوق و آزادی‌های خود را حفظ کنند. به طور خاص، حقوق بین‌المللی، که شامل قوانین و مقرراتی است که روابط بین دولت‌ها را تنظیم می‌کند، نقش حیاتی در حفظ صلح و امنیت جهانی دارد. این قوانین به دولت‌ها کمک می‌کنند تا منازعات خود را به طور صلح‌آمیز حل کنند و از اقداماتی که ممکن است منجر به جنگ شوند، خودداری کنند. با این حال، در برخی موارد، حقوق ممکن است به عنوان یک ابزار برای جنگ استفاده شود. این مسئله نشان می‌دهد که چگونه استفاده از حقوق می‌تواند به دو دسته متضاد منجر شود: یکی برای ایجاد صلح و دیگری برای ایجاد جنگ. این یک چالش بزرگ برای جامعه بین‌المللی است و نیازمند توجه و حل مسئله دقیق است. بر این اساس پژوهش و بررسی مساله جنگ حقوقی و ابعاد آن، می‌تواند نقش حیاتی در ترویج آگاهی عمومی، تحلیل عمیق و دقیق این پدیده، و ارائه راهکارهای علمی برای مقابله با آن ایفا کند. این موضوع، نه تنها به توسعه فردی و جامعه‌ای کمک می‌کند، بلکه می‌تواند بستری برای بررسی و تحلیل این پدیده از منظرهای مختلف فراهم آورد. این مقاله می‌تواند نقش مهمی در ارائه دیدگاه‌های جدید، تحلیل ابعاد مختلف این پدیده، و پیشنهاد راهکارهای علمی برای مقابله با آن داشته باشد. این تلاش علمی، می‌تواند به ترویج فرهنگ حقوقی، تقویت آگاهی عمومی، و ارتقای سطح علمی جامعه کمک کند.

در مقاله «نظریه جنگ حقوقی و آینده حقوق بین‌الملل: حقوق ابزار صلح یا جنگ؟» که توسط مصطفی فضائی و وحید کوثری در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است، نویسندگان به بررسی مفهوم جنگ حقوقی و ابعاد آن می‌پردازند. آنها معتقدند که جنگ حقوقی، پدیده‌ای جدید است که در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ سرد، مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم، به استفاده از حقوق بین‌الملل برای پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی اشاره دارد. نویسندگان این مقاله، پس از بررسی مفهوم جنگ حقوقی، به دلایل استفاده از این پدیده، روش‌های انجام آن، و آثار آن بر حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی می‌پردازند. آنها معتقدند که جنگ حقوقی، می‌تواند آثار مختلفی بر حقوق بین‌الملل داشته باشد. یکی از مهمترین آثار جنگ حقوقی، کاهش اعتماد به حقوق بین‌الملل است. این امر، می‌تواند تأثیر منفی بر نظم و ثبات بین‌المللی داشته باشد.

مقاله «جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، توسط آقایان سید حسین سادات میدانی و محمدرضا محمدی در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است. این مقاله، به بررسی اقدامات حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

در سال‌های اخیر می‌پردازد. نویسندگان این مقاله، معتقدند که ایالات متحده آمریکا، از جنگ حقوقی به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود علیه ایران استفاده می‌کند. این اقدامات، شامل تحریم‌های اقتصادی، طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری، و ایجاد نهادهای حقوقی جدید است. نویسندگان این مقاله، معتقدند که اقدامات حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، آثار مختلفی بر حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی داشته است.

مقاله «جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، و مقاله حاضر، هر دو به بررسی جنگ حقوقی می‌پردازند. با این حال، این دو مقاله تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. مهم‌ترین تفاوت، در محدوده موضوعی آنها است. مقاله «جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، به بررسی اقدامات حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در مقابل، مقاله حاضر، به بررسی مفهوم جنگ حقوقی و ابعاد آن در روابط بین دولت‌ها می‌پردازد. با این حال، این دو مقاله می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. مقاله «جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، می‌تواند به درک بهتر از آثار جنگ حقوقی بر روابط بین دولت‌ها کمک کند. در مقابل، مقاله «جنگ حقوقی و ابعاد آن»، می‌تواند به درک بهتر از مفهوم جنگ حقوقی و ابعاد آن کمک کند. و از این جهت نگارش این مقاله بدیع و جدید می‌باشد.

بررسی مفاهیم

واژه "جنگ حقوقی" برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ توسط جان کارلسون و نویل یومنز، دو حقوقدان آمریکایی، در مقاله خود با عنوان «جنگ حقوقی: یک چالش جدید برای نظم بین‌المللی» مورد استفاده قرار گرفت.

پس از مقاله کارلسون و یومنز، واژه «جنگ حقوقی» به ندرت مورد استفاده قرار می‌گرفت. این اصطلاح، در سال ۲۰۰۱، پس از سخنرانی ژنرال ارشد چارلز دانلپ در دانشگاه هاروارد، عمومیت پیدا کرد. در این سخنرانی، دانلپ، جنگ حقوقی را «یک استراتژی در استفاده-یا سوءاستفاده-از حقوق به عنوان جایگزین ابزار نظامی سنتی برای دستیابی به یک هدف عملیاتی» تعریف کرد. (

(Charles J. Dunlap, Jr., supra note 6. p. 146

از نظر دانلپ جنگ حقوقی گویای روشی از جنگ و مخاصمه است که حقوق در آن وسیله‌ای برای دستیابی به هدف نظامی است. اگرچه در نگاه اول ممکن است فرض شود جنگ حقوقی رنج کمتری از جنگ سخت را در پی دارد اما در عمل بسیار اتفاق می‌افتد که موجب عملی شود که حمایت از بی‌گناهان را به خطر می‌اندازد و عمومیت بیشتری داشته باشد. کشورهایی که از این روش استفاده می‌کنند در بعضی موارد به دستکاری حاکمیت قانون و ارزش‌های بشردوستانه ناشی از آن می‌پردازند. در جنگ حقوقی



گاهی به جای به دنبال پیروز بودن در میدان جنگ، سعی می‌کنند قصد واراده برای جنگ را با تحت تأثیر قرار دادن حمایت عمومی که در کشورهای مبتنی بر دموکراسی برای مداخله نظامی ضروری است، دچار خدشه کنند. (Michael P. Scharf and Elizabeth Andersen, "Is Lawfare Worth Defining - Report of the Cleveland Experts

اصطلاح «جنگ حقوقی» به عنوان نوعی سپر برای کمک به کارگزاران نظامی در فهم اینکه چرا نیاز است حقوق، در فکر کردن و برنامه ریزی آنها جایگاه داشته باشد، در نظر گرفته شده است. این اصطلاح، می‌تواند به آنها کمک کند تا به این نکته پی ببرند که حقوق بین‌الملل، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای پیشبرد اهداف نظامی باشد. (The Lawfare Project, <https://www.thelawfareproject.org>)

در سال‌های گذشته، مفهوم جنگ حقوقی دستخوش تحولاتی شده است. امروزه، این اصطلاح، اغلب به عنوان برچسبی برای انتقاد از کسانی که از حقوق بین‌الملل و دادرسی‌های حقوقی برای طرح دعاوی علیه یک دولت، مخصوصاً در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی، استفاده می‌کنند، استفاده می‌شود. این رویکرد، اغلب توسط گروه‌های نئومحافظه‌کار، که از رویکردهای نظامی و امنیتی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی حمایت می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گروه‌ها، معتقدند که استفاده از حقوق بین‌الملل برای محدود کردن اقدامات نظامی یک دولت، می‌تواند به کاهش امنیت ملی آن کشور منجر شود. به طور مثال، این رویکرد به وسیله گروه حامی نئومحافظه کاران به نام «پروژه جنگ حقوقی» عمومیت می‌یابد که در سایت خود فهرستی از موارد جنگ حقوقی را متذکر شده‌اند که قضیه طرح شده در دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص قانونی بودن دیوار حائل رژیم صهیونیستی، قضایای مرتبط با حقوق بشر با حمایت سازمانهای طرفدار فلسطینیان و یا حمایت از کسانی که در زندانهای رژیم صهیونیستی هستند را از مصادیق جنگ حقوقی تلقی می‌کنند. (Mark Martins, "Reflections on "Lawfare" and Related Terms", Lawfare. 24 November 2010). همچنین جنگ حقوقی اخیراً برای بیان سوءاستفاده از حقوق بین‌الملل با هدف فضا سازی و تبلیغات مانند بزرگ نمایی در کشته شدن غیرنظامیان مورد بحث قرار گرفته است. (<https://www.lawfareblog.com/reflections-lawfare-and-related-term>)

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت: «جنگ حقوقی یک استراتژی است که در آن از سیستم حقوقی داخلی و بین‌المللی برای ایجاد خسارت برای دشمن، نشان دادن عملکرد غیرقانونی آن و همچنین فشار بر روی آن استفاده می‌شود.» (Padilla, J., "Lawfare: The Colombian Case", Junio REVCJMC.10(10), 2012:p 108 -.)
با استفاده از قوانین و مقررات، تلاش می‌کند تا به دشمن آسیب برساند، رفتارهای غیرقانونی آن را آشکار کند و فشار بر روی آن

اعمال کند. اگر چه برخی جنگ حقوقی را زیر مجموعه ای از «جنگ های هیبریدی» (Hybrid warfare) توصیف می نمایند، (

Bachmann, S. and Andres B Munoz Mosquera, "Lawfare and hybrid warfare –how Russia

is using the law as a weapon", Amicus Curiae, 2015:p 26.)

۲- ابعاد جنگ حقوقی

جنگ حقوقی یک دکترین نوظهور است که به استفاده از حقوق به عنوان یک ابزار جنگی اشاره می‌کند. این دکترین می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، اما به طور کلی می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد:

۱/۲- ابعاد سیاسی:

جنگ حقوقی یک پدیده چندوجهی است که یکی از جنبه‌های مهم آن، بعد سیاسی آن است. در این بعد، حقوق به عنوان یک ابزار قدرتمند برای دستیابی به اهداف سیاسی مختلف استفاده می‌شود (محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴، تهران ۱۳۸۴ ش). تلاش برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی از طریق اتهامات حقوقی، یکی از متداول‌ترین راه‌های استفاده از حقوق در جهت اهداف سیاسی است (Richard Nephew, The Art of Sanctions: A View from - the Field, Columbia University Press, 2018, p. 9). که با شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

ایجاد تحریم‌ها یا محدودیت‌های حقوقی:

تحریم‌ها یا محدودیت‌های حقوقی می‌توانند به عنوان یک ابزار سیاسی برای فشار بر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی استفاده شوند. این تحریم‌ها می‌توانند شامل تحریم‌های سیاسی یا حقوقی باشند (نوبان فشنندی، حسین دری، بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم‌های هوشمند علیه ایران و تاثیرات برجام بر این تحریم‌ها، نشریه: قانون یار

سال: ۱۳۹۶، دوره: ۲، شماره: ۲، صفحات: ۱۳۵-۱۷۲) اعمال تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که از طریق قوانین داخلی و با اعمال نفوذ در شورای امنیت و اتحادیه و اتحادیه اروپا صورت گرفت، جنگ حقوقی محسوب می‌شوند.

با مروری بر قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌های متعددی که در خصوص وضعیت حقوق بشر و نقض آن در ایران از اوایل انقلاب تا بحال صادر شده‌اند در می‌یابیم که موارد ادعا شده نقض حقوق بشر در ایران در همه قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌ها صادر شده

در این زمینه از ابتدا تاکنون اولاً همواره مشابه و ثانیاً همه ساله با اندکی تغییرات تکرار شده اند (حسین صادقی، تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر، دو فصلنامه علمی ترویجی بیداری اسلامی، سال سوم شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۹-۲۴). با علم به آنچه گفته شد تنها به مرور یک نمونه از این قطعنامه ها و گزارش ها می پردازیم: در قطعنامه ۴۹/۲۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴ صادر شده است موارد نقض حقوق بشر در ایران چنین مشخص شده اند: بالا بودن تعداد اعدام ها، عدم رعایت استانداردهای بین المللی در رسیدگی قضایی، رفتار تبعیض آمیز نسبت به اقلیت های مذهبی، محدودیت آزادی بیان، اندیشه، عقیده و مطبوعات، تبعیض گسترده علیه زنان، استفاده وسیع از مجازات اعدام برای جرائم، نگرانی از تهدید علیه جان سلمان رشدی، عدم رعایت حقوق مردم مخصوصاً متهمین در جریان دستگیری و محاکمه، وجود قوانینی که مجازات های خشن و بی رحمانه را در بر دارد، وجود قوانینی که موجب تضییع حقوق زنان بوده و بین زن و مرد قائل به تبعیض است و به رسمیت نشناختن برخی از فرقه های مذهبی و اعمال تبعیض نسبت به آنها. (شریفیان، جمشید. (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۱۱۲-۱۱۱).

ایجاد تفرقه یا تضعیف در اتحادیه‌ها یا ائتلاف‌های حقوقی:

ایجاد تفرقه یا تضعیف در اتحادیه‌ها یا ائتلاف‌های حقوقی، نیز می‌تواند یک هدف سیاسی باشد. این کار می‌تواند از طریق حمایت از گروه‌های مخالف، یا ایجاد اختلاف بین گروه‌های عضو، انجام شود. (مهدی حبیب‌اللهی، حسین مسعود نیا، رویکرد سه‌گانه حمایت، وساطت و مداخله آمریکا: مقایسه مصر جدید و ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۹۵، صص ۴۹-۷۳).

استفاده از حقوق برای فشار بر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی:

یکی از روش‌های متداول استفاده از حقوق برای دستیابی به اهداف سیاسی، تلاش برای فشار بر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی از طریق اتهامات حقوقی است. این می‌تواند از طریق دادگاه‌های بین‌المللی، شکایت‌های حقوقی، یا حتی افشای عمومی نقض حقوق بشر انجام شود.

استفاده از حقوق به عنوان یک ابزار تبلیغاتی یا تحریک‌کننده:

حقوق می‌تواند به عنوان یک ابزار تبلیغاتی یا تحریک‌کننده استفاده شود. این می‌تواند از طریق برجسته کردن موارد نقض حقوق بشر، یا استفاده از حقوق برای ایجاد احساسات ضد دولتی یا ضد خارجی انجام شود.



در کل، بعد سیاسی جنگ حقوقی می‌تواند به روش‌های متنوعی برای دستیابی به اهداف سیاسی مختلف استفاده شود. این ابعاد می‌توانند تأثیرات مثبت یا منفی داشته باشند. استفاده از حقوق برای دستیابی به اهداف سیاسی مثبت می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان کمک کند. اما استفاده از حقوق برای دستیابی به اهداف سیاسی منفی می‌تواند به ترویج خشونت و ناپایداری کمک کند.

در مجموع، استفاده از حقوق به عنوان یک ابزار تبلیغاتی یا تحریک‌کننده، می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی داشته باشد. استفاده از حقوق برای تحقق اهداف سیاسی مثبت، می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق بشر در جهان کمک کند. اما استفاده از حقوق برای تحقق اهداف سیاسی منفی، می‌تواند به ترویج خشونت و بی‌ثباتی کمک کند.

۲/۲- ابعاد نظامی

این ابعاد شامل تلاش برای محدود کردن یا ممنوع کردن استفاده از سلاح‌ها یا روش‌های نظامی خاص، ایجاد مانع یا محافظت در برابر حملات نظامی دشمن، ایجاد مزیت یا توازن نظامی در برابر رقیب، و استفاده از حقوق به عنوان یک ابزار انتقام‌جویی یا تهدیدکننده است.

مهم‌ترین کارکردهای ابعاد نظامی جنگ حقوقی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- استفاده از حقوق برای ایجاد مانع در دسترسی دشمنان به منابع مالی، انسانی، یا تسلیحاتی.

حمایت از حقوق برای ایجاد مانع در دسترسی دشمنان به منابع مالی، انسانی، یا تسلیحاتی می‌تواند به عنوان یک استراتژی اهمیت‌زیاد برای مقابله با تهدیدات امنیتی به کار گرفته شود. این رویکرد بر اساس این ایده استوار است که اگر دشمنان نتوانند به منابع مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند، قادر به پیشبرد اهداف خود نخواهند بود. (Kirchner, Stefan, "The Human Rights Dimensions of International Peace and Security: Humanitarian Intervention after 9/11", Journal of Humanitarian Assistance, 25 (October 2004):p 9 Available at <http://sites.tufts.edu/jha/files/2011/04/a143.pdf> (last visited on 01/03/2019))

در این راستا، حقوق می‌تواند به عنوان یک وسیله برای تحکیم و تضعیف دشمنان استفاده شود. به عنوان مثال، تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی می‌توانند به طور مؤثری برای مانع شدن از دسترسی دشمنان به منابع مالی شود. از سوی دیگر، قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات نیز می‌توانند برای مانع شدن از دسترسی به منابع تسلیحاتی به کار گرفته شوند.



این راهبرد بر اساس اصول حقوق بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند با همکاری بین‌المللی تقویت شود. (حقوق بشر و منابع مالی در حقوق بین‌المللی: شناسایی اصول و راهبردها، از دکتر مریم خرمی و دکتر علی اکبر مهریان، نشریه حقوقی پژوهشی اندیشه حقوقی، سال نهم، شماره ۳ (بهار ۱۳۹۸)).

-استفاده از حقوق برای افزایش هزینه‌های جنگ برای دشمنان

استفاده از حقوق به منظور افزایش هزینه‌های جنگ برای دشمنان یک استراتژی مورد استفاده در روابط بین‌المللی و جنگ‌های مدرن است. این رویکرد معمولاً از مجموعه‌ای از اقدامات حقوقی و اقتصادی برای ایجاد فشار بر دشمنان به منظور کاهش توان نظامی و اقتصادی آن‌ها استفاده می‌کند. مثال‌هایی از این اقدامات شامل تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های تجاری، یا ارائه پشتیبانی حقوقی به گروه‌های مخالف می‌شود.

تحریم‌های اقتصادی، به عنوان یکی از شیوه‌های استفاده از حقوق برای افزایش هزینه‌های جنگ، به دنبال محدود کردن دسترسی دشمنان به منابع مالی و اقتصادی است. این تحریم‌ها می‌توانند شامل محدودیت‌های تجاری، مسدود کردن دسترسی به بازارهای بین‌المللی، و یا تعلیق فعالیت‌های بانکی و مالی باشند. این بوسیله، هدف از تحریم‌ها افزایش هزینه‌های حفظ نظامی و اقتصادی برای دشمنان است. Logan, T. M. A., "International Law and the Use of Lawfare: An Argument for the U.S. To Adopt a Lawfare Doctrine", M.S. Thesis, Missouri State University, 2017, p. 20. Available at (<https://bearworks.missouristate.edu/theses/3146> (last visited on 07/03/2019))

از طرفی، ارائه پشتیبانی حقوقی به گروه‌های مخالف نیز می‌تواند به عنوان یک استراتژی برای افزایش هزینه‌های جنگ مورد استفاده قرار گیرد. این اقدام ممکن است شامل ارائه حمایت حقوقی به گروه‌های مواجه با دشمن و تقویت حقوق بشر و قانون بین‌الملل باشد.

استفاده از حقوق برای تضعیف اعتبار و شهرت دشمنان

استفاده از حقوق به منظور تضعیف اعتبار و شهرت دشمنان از جمله روش‌های استراتژیک در روابط بین‌المللی است که معمولاً برای ایجاد فشار بر دشمنان و تضعیف پشتوانه‌های آن‌ها به کار گرفته می‌شود. این رویکرد می‌تواند شامل اتهام‌های مرتبط با نقض حقوق بشر، جنایت‌های جنگی، یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی باشد. این اقدامات اغلب به منظور نیز تشویق جامعه بین‌المللی به انزوا از دشمن و افزایش فشار بر او هدفمند انجام می‌شود.



اتهام دشمنان به نقض حقوق بشر، جنایت‌های جنگی، یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی یک روش مناسب برای تضعیف اعتبار و شهرت آن‌ها است. با اتخاذ این رویکرد، تلاش برای برهم زدن تصویر بین‌المللی مثبت دشمن و ایجاد ترس و ناامنی در جوامع بین‌المللی انجام می‌شود. از این روش برای ایجاد جدل و کاهش پشتوانه‌های سیاسی و اجتماعی دشمنان بهره گرفته می‌شود. James Forrester and Scott Nelson "Using Human Rights Law to Undermine the Credibility of Rogue States" "Human Rights Quarterly" 2011 The Johns Hopkins University Press.

استفاده از حقوق برای توجیه اقدامات نظامی خود

استفاده از حقوق برای توجیه اقدامات نظامی خود، به عنوان یک رویکرد استراتژیک در روابط بین‌المللی، اغلب به منظور ایجاد اعتبار و تشویق حمایت بین‌المللی برای عملیات نظامی به کار گرفته می‌شود. این موضوع ممکن است شامل ادعاهایی مانند "دفاع از خود"، "حمایت از مردم" یا "اجرای قوانین بین‌المللی" شود. به عنوان مثال، یک کشور ممکن است اقدامات نظامی خود را با اشاره به حق دفاع مشروع (Right of Self-Defense)، که به عنوان یکی از حقوق بشر و حقوق بین‌المللی تأیید شده است، توجیه کند.

این استدلال می‌تواند در قالب پوششی قانونی برای عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرد، به‌طوری که تضمین حقوق بشر یا رعایت قوانین بین‌المللی به عنوان دلیلی برای اقدامات نظامی مطرح شود. از این روش برای جلب پشتوانه‌های حقوقی و بین‌المللی و حمایت مردمی برای عملیات نظامی استفاده می‌شود. (Michael Blake ' Elizabeth Nader' "Using Human Rights Justifications for (War: A New Legal Framework" "Ethics & International Affairs"

به عنوان مثال، ایالات متحده، حمله خود به عراق در سال ۲۰۰۳ را با ادعای دفاع از خود در برابر تهدید سلاح‌های کشتار جمعی توجیه کرد. (محمد سهرابی، تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۹-۶۸). اتحادیه اروپا، حمله خود به لیبی در سال ۲۰۱۱ را با ادعای حمایت از مردم لیبی در برابر سرکوب رژیم معمر قذافی توجیه کرد. (رشید رکابیان و همکاران، بحران دولت در لیبی و امنیت در اروپا، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، مرداد ۱۳۹۸، صص ۱۴۷-۱۶۹).

بنابراین، استفاده از حقوق برای توجیه اقدامات نظامی، می‌تواند ابزاری موثر برای کسب حمایت بین‌المللی برای این اقدامات باشد. با این حال، این امر می‌تواند منجر به سوء استفاده از حقوق نیز شود. دولت‌ها ممکن است از حقوق برای توجیه اقداماتی استفاده کنند که در واقع نقض حقوق هستند.

۲/۳- ابعاد اقتصادی

جنگ حقوقی، عرصه‌ای برای تقابل منافع با ابزارهای قانونی است، نبردی که تبعات اقتصادی آن، فارغ از غالب و مغلوب، بر تار و پود جامعه نقش می‌بندد. این بعد از جنگ، به بررسی تأثیرات آن بر عوامل اقتصادی مختلف می‌پردازد، عواملی که تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، تعادل تجاری، نرخ ارز، سطح قیمت‌ها و تورم را در بر می‌گیرند (Bachmann, S. and Andres B Munoz, ۲۰۱۵, warfare –how Russia is using the law as a weapon”, Amicus Curiae Mosquera, “Lawfare and hybrid اقدامات و اهدافی که در ابعاد اقتصادی جنگ حقوقی دنبال می‌شود می‌تواند شامل موارد ذیل باشد :

- تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه کشورهای مخالف یا رقیب

تحریم‌های مالی و اقتصادی به اعمال محدودیت‌هایی بر روی تجارت، ارتباطات، سرمایه‌گذاری، اعتبار، اموال، خدمات و یا هر نوع منفعت اقتصادی یا مالی گفته می‌شود که به منظور تحمیل هزینه‌هایی بر روی کشورهای مخالف یا رقیب و اجبار آنها به تغییر رفتار یا سیاست‌های خود انجام می‌شود.

تحریم‌های مالی و اقتصادی اقداماتی هستند که برای محدود کردن دسترسی کشورهای مخالف یا رقیب به منابع و بازارهای مالی و اقتصادی انجام می‌شوند. این اقدامات می‌توانند برای اعمال فشار، تضعیف، ایجاد نارضایتی یا حمایت از کشورهای مورد تحریم یا متحد آنها هدف داشته باشند. تحریم‌های مالی و اقتصادی می‌توانند به صورت یک‌جانبه توسط یک کشور یا گروهی از کشورها یا به صورت چندجانبه توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال شوند. این تحریم‌ها می‌توانند به عنوان یک روش پیشگیرانه برای جلوگیری از توسعه سلاح‌های تهاجمی یا تهدیدهای امنیتی مورد استفاده قرار گیرند و به عنوان یک روش واکنشی برای مجازات یا انتقام از کشورهایی که اقدامات غیرقانونی یا غیراخلاقی انجام داده‌اند مورد استفاده قرار گیرند. (سید حسین سادات میدانی، محمد رضا محمدی، جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲).

- ایجاد موانع تجاری یا قانونی برای ورود کالاها یا خدمات رقیب به بازارهای مورد نظر

ایجاد موانع تجاری یا قانونی برای ورود کالاها یا خدمات رقیب به بازارهای مورد نظر یکی از اقدامات مهم در جنگ حقوقی است، چرا که می‌تواند به عنوان یک روش غیرنظامی و غیرخسونت‌آمیز برای حل منازعات بین‌المللی یا داخلی مورد استفاده قرار گیرد. ایجاد موانع تجاری یا قانونی می‌تواند به صورت یک‌جانبه توسط یک کشور یا گروهی از کشورها یا به صورت چندجانبه توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام شود. (سادات میدانی و مهدی خلیلی طرقله، بایسته‌های حقوقی نظام تحریم‌های ایران. تهران: شهردانش، ۱۳۹۲. ص ۷۸)

ایجاد موانع تجاری یا قانونی می‌تواند شامل اقداماتی مانند تعرفه‌گذاری، تحریم‌ها، تعلیق تجارت، محدودیت‌های وارداتی، محدودیت‌های صادراتی، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های ارزی، محدودیت‌های مهاجرتی، محدودیت‌های حقوقی و غیره باشد. این اقدامات می‌توانند به عنوان یک روش پیشگیرانه برای جلوگیری از توسعه سلاح‌های تهاجمی یا تهدیدهای امنیتی، یا به عنوان یک روش واکنشی برای مجازات یا انتقام از کشورهایی که اقدامات غیرقانونی یا غیراخلاقی انجام داده‌اند، یا به عنوان یک روش همکاری برای ایجاد یک جبهه متحد در برابر یک دشمن مشترک مورد استفاده قرار گیرند.

- ارائه پشتیبانی حقوقی یا مالی به گروه‌های مخالف یا متحد در کشورهای دیگر

یکی از موارد ابعاد اقتصادی جنگ حقوقی، ارائه پشتیبانی حقوقی یا مالی به گروه‌های مخالف یا متحد در کشورهای دیگر است. این عملیات به عنوان یکی از راه‌های تحریک و تشویق به جنگ، در بسیاری از جنگ‌های اخیر به کار گرفته شده است.

در این راستا، برخی کشورها، به منظور حمایت از گروه‌های مخالف یا متحد در کشورهای دیگر، از ارائه کمک‌های مالی و نظامی به این گروه‌ها استفاده می‌کنند. این کمک‌ها می‌توانند شامل ارائه تجهیزات نظامی، سلاح، مهمات، پول، غذا و دارو باشند. (Scharf, Michael P. & Pagano, Shannon (۲۰۱۰, "Foreward: Lawfare!", Case Western Reserve Journal of International Law, Vol. ۴۳, Issue. ۱, pp. ۱-۱۰).

به عنوان مثال، در جنگ داخلی سوریه، برخی کشورها از جمله ترکیه، عربستان سعودی و قطر، از ارائه کمک‌های مالی و نظامی به گروه‌های مخالف با رژیم بشار اسد استفاده کرده‌اند. (مهدی هدایتی شهیدانی، سجاد مرادی کلارده، فصلنامه تحقیقات سیاست بین‌المللی دانشگاه آزاد، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۶، صص ۸۹-۱۱۶).

جنگ حقوقی اقتصادی می‌تواند مزایا و معایبی داشته باشد. برخی از مزایای آن عبارتند از:

- کاهش هزینه‌ها و خسارت‌های ناشی از جنگ مسلحانه



- افزایش نفوذ و تأثیر در روابط بین‌المللی

- ایجاد فشار یا تغییر رفتار در کشورهای هدف (Scharf, Michael P. & Pagano, Shannon (2010), "Foreward: Lawfare!", Case

(.Western Reserve Journal of International Law, Vol. 43, Issue. 1, pp. 1-10

برخی از معایب آن عبارتند از:

- ایجاد عدم اعتماد و تنش بین کشورهای درگیر

- ایجاد انتقام یا اقدامات مقابله‌ای از طرف کشورهای هدف

۳-نتیجه

جنگ حقوقی، یک پدیده نوظهور و پیچیده در عرصه روابط بین‌الملل است که با استفاده از ابزارهای حقوقی، موقعیت طرف مقابل را به چالش می‌کشد و آن را تضعیف می‌کند. این جنگ در سه بعد سیاسی، نظامی و اقتصادی انجام می‌شود:

بعد سیاسی: در این بعد، جنگ حقوقی برای فشار بر دولت‌ها، ایجاد انزوا برای آنها و تغییر سیاست‌های آنها استفاده می‌شود. ابزارهای این جنگ شامل دیپلماسی حقوقی، طرح دعاوی حقوقی در مراجع بین‌المللی و استفاده از ابزارهای حقوق بشری برای فشار بر دولت‌ها است.

بعد نظامی: در این بعد، جنگ حقوقی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی، تضعیف روحیه دشمن و جلب حمایت بین‌المللی استفاده می‌شود. ابزارهای این جنگ شامل توسل به قوانین بین‌المللی جنگ، استفاده از پروپاگاندا و جنگ روانی و طرح دعاوی حقوقی علیه جنایات جنگی است.

بعد اقتصادی: در این بعد، جنگ حقوقی برای تحریم اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌ها و اخلال در فعالیت‌های اقتصادی طرف مقابل به کار گرفته می‌شود. ابزارهای این جنگ شامل وضع تحریم‌های اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌های دولتی و خصوصی و اعمال محدودیت‌های تجاری است.

در خصوص جنگ حقوقی، می‌توان پیشنهادات پژوهشی زیر را داد:



۱. بررسی تأثیر جنگ حقوقی بر روابط بین‌الملل***: این مطالعه می‌تواند به بررسی چگونگی تأثیر جنگ حقوقی بر روابط بین‌الملل و تغییرات سیاست‌های خارجی کشورها بپردازد.
۲. مطالعه موردی جنگ حقوقی در مناطق مختلف***: این پژوهش می‌تواند به بررسی و تحلیل جنگ حقوقی در مناطق مختلف جهان مانند خاورمیانه، آسیا، اروپا و آمریکا بپردازد.
۳. بررسی روش‌ها و ابزارهای جنگ حقوقی
۴. تحلیل اثرات جنگ حقوقی بر اقتصاد کشورها
۵. بررسی راهکارهای مقابله با جنگ حقوقی
۶. بررسی نقش سازمان‌های بین‌المللی در جنگ حقوقی

فهرست منابع

منابع فارسی

- حبیب‌اللهی، مهدی، حسین مسعود نیا، حسین، (۱۳۹۵)، رویکرد سه‌گانه حمایت، وساطت و مداخله آمریکا: مقایسه مصر جدید و ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۹۵، صص ۴۹-۷۳.
- خرمی، مریم، مهریان، علی اکبر، (۱۳۹۸ش) حقوق بشر و منابع مالی در حقوق بین‌المللی: شناسایی اصول و راهبردها"، نشریه حقوقی پژوهشی اندیشه حقوقی، سال نهم، شماره ۳ (بهار ۱۳۹۸).
- رکابیان، رشید و همکاران، بحران دولت در لیبی و امنیت در اروپا، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، مرداد ۱۳۹۸، صص ۱۴۷-۱۶۹.
- سادات میدانی، حسین، خلیلی طرقله، مهدی، بایسته های حقوقی نظام تحریم های ایران. تهران: شهردانش، ۱۳۹۲.
- سادات میدانی، حسین، محمدی، محمد رضا، جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲.



سهرابی، محمد، تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۹-۶۸.

شریفیان، جمشید. (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: وزارت امور خارجه. صص ۱۱۲-۱۱۱.

صادقی، حسین، (۱۳۹۳) تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر، دو فصلنامه علمی ترویجی بیداری اسلامی، سال سوم شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص ۹-۲۴.

ضیائی بیگدلی، احمد رضا، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.

فشندی، نوبان، دری، حسن (۱۳۹۶)، بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم‌های هوشمند علیه ایران و تاثیرات برجام بر این تحریم‌ها، نشریه: قانون یار سال: ۱۳۹۶، دوره: ۲، شماره: ۲، صفحات: ۱۳۵-۱۷۲.

هدایتی شهیدانی، مهدی، سجاد مرادی کلارده، سجاد، فصلنامه تحقیقات سیاست بین‌المللی دانشگاه آزاد، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۶، صص ۸۹-۱۱۶.

منابع لاتین :

۱- Charles J. Dunlap, Jr., "Law and Military Interventions: Preserving Humanitarian Values in ۲۱st Century Conflicts", Carr Center for Human Rights Policy, Kennedy School of Government, Harvard University. (November ۲۰۰۱). p. ۴.

2- Michael P. Scharf and Elizabeth Andersen, "Is Lawfare Worth Defining - Report of the Cleveland Experts Meeting – September ۱۱, ۲۰۱۰", Case Western Reserve Journal of International Law. Vol. ۴۳, Issue ۱. (۲۰۱۰). p ۱۲..

3- The Lawfare Project, <https://www.thelawfareproject.org>.

4- Mark Martins, "Reflections on "Lawfare" and Related Terms", Lawfare. 24 November 2010.

5- <https://www.lawfareblog.com/reflections-lawfare-and-related-term>

6- Padilla, J., "Lawfare: The Colombian Case", Junio REVCJMC. ۱۰(۱۰), ۲۰۱۲: p - ۱۰۸.

7- Bachmann, S. and Andres B Munoz Mosquera, "Lawfare and hybrid warfare –how Russia is using the law as a weapon", Amicus Curiae, ۲۰۱۵: p ۲۶.

8- Richard Nephew, The Art of Sanctions: A View from the Field, Columbia University Press, ۲۰۱۸, p. ۹.

9- Kirchner, Stefan, "The Human Rights Dimensions of International Peace and Security: Humanitarian Intervention after ۱۱/۹", Journal of Humanitarian Assistance, ۲۵ October: ۲۰۰۴ p ۹ Available at <http://sites.tufts.edu/jha/files/۰۴/۲۰۱۱/a۱۴۳.pdf> (last visited on ۲۰۱۹/۰۳/۰۱) .



10-Logan, T. M. A., “International Law and the Use of Lawfare: An Argument for the U.S. To Adopt a Lawfare Doctrine”, M.S. Thesis, Missouri State University, 2017, p. 20. Available at <https://bearworks.missouristate.edu/theses/3146> (last visited on 07/03/2019)

11- James Forrester and Scott Nelson "Using Human Rights Law to Undermine the Credibility of Rogue States" "Human Rights Quarterly" 2011 The Johns Hopkins University Press.

12- Michael Blake ‘ Elizabeth Nader’ "Using Human Rights Justifications for War: A New Legal Framework""Ethics & International Affairs"

13- Bachmann, S. and Andres B Munoz Mosquera, “Lawfare and hybrid warfare –how Russia is using the law as a weapon”, *Amicus Curiae* ۲۰۱۵,

14- Scharf, Michael P. & Pagano, Shannon (۲۰۱۰), "Foreward: Lawfare!", *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. ۴۳, Issue. ۱, pp. ۱-۱۰